فوتبال و الگوی دیپلماسی هوشمند

امیرمهدی علوی
پژوهشگر سیاست

در دهه‌های اخیر، روابط بین‌الملل با تحولات بنیادینی در ساختار و منطق قدرت مواجه شده است؛ تحولاتی که موجب بازتعریف ابزارها و کارکردهای دیپلماسی در نظام جهانی شده‌اند. در این میان، مفهوم دیپلماسی هوشمند به‌عنوان نسل نوینی از تعاملات سیاسی و بین‌المللی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات سیاست جهانی یافته است. این نوع از دیپلماسی که بر هم‌افزایی قدرت سخت و نرم استوار است، (قاسمی، ۱۳۸۶) کشورها را قادر می‌سازد تا از ترکیب منابع نظامی، اقتصادی، فرهنگی و فناورانه در جهت دستیابی به اهداف استراتژیک خود بهره گیرند. منطقه خلیج‌فارس به‌عنوان یکی از کانون‌های ژئوپلیتیکی حساس جهان، نمونه بارزی از محیطی است که در آن دیپلماسی هوشمند نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند. حضور بازیگران منطقه‌ای قدرتمند، رقابت‌های ایدئولوژیک، مداخلات فرامنطقه‌ای و تنش‌های تاریخی، سبب شده‌اند که دولت‌های این حوزه به جست‌وجوی ابزارهای نوین برای تأمین امنیت، نفوذ و مشروعیت بین‌المللی بپردازند. (آقابخشی، افشاری راد، ۱۳۸۷)، در چنین بستری، فوتبال به‌عنوان پدیده‌ای جهانی و چندبعدی، به ابزاری کارآمد برای دیپلماسی هوشمند در کشورهای خلیج‌فارس تبدیل شده است. (بیلیس، اسمیت، ۱۳۸۸)

این ورزش با برخورداری از ظرفیت عظیم رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و جذابیت مردمی، بستری گسترده برای اعمال قدرت نرم و تصویرسازی بین‌المللی فراهم آورده است. در خلیج‌فارس، کشورهایی همچون قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی با درک این ظرفیت‌ها، از فوتبال به‌مثابه ابزاری برای برندسازی ملی، نفوذ فرهنگی و مشروعیت سیاسی استفاده کرده‌اند. قطر با میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ نه‌تنها توانست جایگاه خود را در عرصه بین‌المللی تثبیت کند، (هادیان، واحدی، ۱۳۸۸) بلکه الگویی نوین از دیپلماسی ورزشی و فرهنگی را ارائه داد که در قالب نظریه «قدرت هوشمند» قابل تحلیل است. به همین ترتیب، عربستان با خرید باشگاه نیوکاسل یونایتد و سرمایه‌گذاری در لیگ داخلی، درصدد بازتعریف چهره خود به‌عنوان کشوری مدرن و باز در جهان است. این اقدامات نشان می‌دهد که فوتبال در خلیج‌فارس به بخشی از معماری دیپلماسی هوشمند این کشورها تبدیل شده است. از منظر نظری، تحلیل پیوند میان فوتبال و دیپلماسی در خلیج‌فارس، مستلزم به‌کارگیری چهارچوب‌های مفهومی چندلایه است. نظریه‌های پیچیدگی و آشوب ابزارهای تحلیلی مناسبی برای درک این پدیده فراهم می‌کنند. در چهارچوب نظریه پیچیدگی، روابط بین‌الملل همچون سیستمی غیرخطی و چندسطحی در نظر گرفته می‌شود که در آن کنش‌های خرد می‌توانند پیامدهای کلان و غیرقابل پیش‌بینی ایجاد کنند. بر این اساس، فوتبال به‌مثابه «مجذوب‌کننده ناآشنا» در فضای دیپلماتیک خلیج‌فارس عمل می‌کند و از طریق ایجاد شبکه‌های جدید ارتباطی، تعاملات فرهنگی و رقابت‌های اقتصادی، موجب پدید آمدن الگوهای غیرخطی همگرایی می‌شود. نظریه آشوب نیز با تأکید بر «اثر پروانه‌ای»، توضیح می‌دهد که چگونه یک رویداد کوچک، مانند یک مسابقه یا میزبانی ورزشی، می‌تواند تحولات سیاسی گسترده‌ای را در پی داشته باشد. نمونه‌های تاریخی، نظیر بهبود روابط قطر و عربستان پس از میزبانی مشترک رویدادهای فوتبالی، مصداق عینی چنین اثراتی هستند.

در این چهارچوب، دیپلماسی فوتبال را می‌توان به‌عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی تعریف کرد که از طریق آن دولت‌ها تلاش می‌کنند پیام‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ خود را به ملت‌های دیگر منتقل کرده و درک متقابل ایجاد کنند. کشورهای حاشیه خلیج‌فارس با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فوتبال، کوشیده‌اند تا تصویر خود را در افکار عمومی جهان بازسازی کنند؛ تصویری که پیش‌تر با مفاهیمی چون نفت، جنگ و محافظه‌کاری سیاسی گره‌خورده بود. در این میان، رسانه‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاری در باشگاه‌های اروپایی و میزبانی رویدادهای جهانی، سه‌رکن اصلی این راهبرد به‌شمار می‌آیند. فوتبال در این منطقه نه‌تنها موجب تقویت قدرت نرم شده، بلکه امکان دیپلماسی چندسطحی و شبکه‌ای را نیز فراهم کرده است؛ دیپلماسی‌ای که بازیگران غیردولتی، بخش خصوصی و نهادهای فرهنگی را نیز درگیر می‌کند. از سوی دیگر، با شکل‌گیری نهادهای فراملی فوتبالی نظیر فدراسیون فوتبال کشورهای عرب خلیج‌فارس و اتحادیه باشگاه‌های خلیج‌فارس، نوعی همگرایی ساختاری و کارکردی در حال شکل‌گیری است که به انسجام منطقه‌ای و کاهش تنش‌های سیاسی کمک می‌کند. این نهادها ضمن ایجاد قواعد و هنجارهای مشترک، بستر تعامل مستمر و مدیریت تعارضات میان کشورها را فراهم آورده‌اند. در نتیجه، فوتبال به یکی از مؤثرترین ابزارهای «دیپلماسی شبکه‌ای» در منطقه‌ای تبدیل شده است که پیش‌تر به واسطه رقابت‌های ژئوپلیتیک شناخته می‌شد.

۱ مبانی نظری

دیپلماسی هوشمند

عبارت دیپلماسی هوشمند در دکترین سیاست خارجی کشورها، نخستین‌بار توسط هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، در زمان آغاز به کار دولت اول باراک اوباما مطرح شد و به ادبیات سیاسی جهانی راه یافت. استفاده از ابزارهای مختلف در دیپلماسی بین‌الملل به دلیل وجود مسائل و بحران‌های فراوان، امری ضروری و بدیهی است. به‌نظر می‌رسد که برای پاسخگویی به تحولات تاریخی و نیازهای سیاسی، اتخاذ موضع مناسب در هر مورد اهمیت زیادی دارد. (ولف، روزن، ۱۳۸۴)، این تغییرات را می‌توان به‌عنوان تلاشی از سوی نظام بین‌الملل برای پاسخ به نیازهای ارتباطات سیاسی در نظر گرفت و باید به سرعت و دقت به این سه نیاز توجه کرد. در کنار دیپلماسی، ابزارهای قدرتمند دیگری مانند اقتصاد، قدرت نظامی و فرهنگ وجود دارند که می‌توانند به تقویت دیپلماسی کمک کنند. این ابزارها به یکدیگر وابسته‌اند و می‌توانند در بهبود شرایط دیپلماتیک نقش مهمی ایفا کنند. اقتصاد قوی می‌تواند دیپلماسی یک کشور را تقویت کند، در حالی که وابستگی اقتصادی ممکن است شرایط آن کشور را در مذاکرات دیپلماتیک تضعیف کند. (نجابت، کوشکی، ۱۳۹۷)، تبلیغات مؤثر و حساب‌شده نیز می‌تواند زمینه‌های لازم برای برقراری ارتباطات دیپلماتیک را فراهم آورد. از سوی دیگر، تبلیغات نادرست یا ضعیف ممکن است کشور را قبل از شروع مذاکرات به چالش بکشد. در بسیاری از مذاکرات، وجود اطمینان و ثبات می‌تواند به نفع یک کشور باشد و شرایط ترس و تسلیم را برای طرف مقابل ایجاد کند. (موسوی‌زارع، ۱۴۰۰)، اگر فرهنگ و ایدئولوژی به درستی گسترش یابند و از رسانه‌ها و تبلیغات به خوبی بهره‌برداری شود، می‌توانند به تقویت دیپلماسی کمک کنند. دیپلماسی هوشمند به معنای هم‌افزایی میان قدرت نرم و قدرت سخت است و به کارگیری تمامی ظرفیت‌ها به منظور کشف ابعاد مختلف این نوع دیپلماسی، تأثیر قابل توجهی بر میزان اختیارات دیپلمات‌ها دارد. با توجه به تکنیک‌های روزآمد، (بیژنی، ۱۳۸۴)، این دیپلماسی می‌تواند به شکل دقیق‌تر، صحیح‌تر و آسان‌تری به شناسایی ظرفیت‌های موجود برای اتخاذ تصمیمات کاربردی کمک کند. به ویژه در زمینه کشف منافع و راه‌های دستیابی به آن‌ها، به ویژه در حوزه امنیت ملی، موفق‌تر خواهد بود. واقع‌گرایان بر این باورند که تمامی دولت‌ها دارای درکی منطقی از صحنه سیاست بین‌الملل هستند و هر یک از آن‌ها سعی می‌کنند از مواجهه با بدترین وضعیت‌ها پرهیز کنند. بنابراین، با استفاده از دیپلماسی هوشمندانه می‌توان در راستای تحقق اهداف و تأمین منافع ملی اقدام کرد. در این مکتب، دیپلماسی موفق همواره به‌عنوان یک قهرمان بزرگ شناخته می‌شود. این موفقیت تنها از طریق بهره‌گیری از خرد و عقلانیت استراتژیک در عرصه سیاست بین‌الملل به‌دست می‌آید. در گذشته، به کارگیری قدرت سخت و نرم به‌گونه‌ای بود که قدرت سخت را محدود به شرایط جنگی و قدرت نرم را بیشتر در شرایط صلح و آرامش می‌دانستند. در حالی که چالش‌ها، تهدیدها و منازعات نه‌تنها شامل ابعاد نرم می‌شوند، بلکه ابعاد سخت قدرت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. به کارگیری این دو نوع قدرت به‌طور هم‌زمان و در شرایط جنگ و صلح امری مرسوم است. استفاده از این قدرت‌های متنوع و گوناگون، تهدیدهای جدی و هوشمندی را به وجود آورده است که به‌عنوان تهدیدهای هوشمند شناخته می‌شوند. برخی بر این باورند که دیپلماسی هوشمند به حوزه‌های تجاری و زیست‌محیطی نیز مرتبط است. (نجابت، کوشکی، ۱۳۹۷)

قدرت هوشمند

دیپلماسی همگراکننده به‌عنوان دیپلماسی هوشمند، بر اساس منطق شبکه‌ای و دینامیک مبتنی بر قدرت هوشمند شکل می‌گیرد. با شکل‌گیری سازه‌های شبکه‌ای در سیستم بین‌الملل و تبدیل این نوع از سیستم به شبکه‌ای از شبکه‌های متداخل و تغییر قدرت از نوع سخت یا نرم به قدرت ارتباطی – هوشمند، دیپلماسی هوشمند رویش کرده است که دو محور اساس سازه شبکه‌ای و قدرت هوشمند، آن را تعریف می‌کنند. براین اساس، مدل نظری پژوهش از چهار بخش تشکیل شده است:

بخش اول به تحول سیستم بین‌الملل و شکل‌گیری گونه‌های جدیدی، از جمله سیستم‌های پیچیده با عنوان سیستم‌های غیرخطی و هوشمند، مربوط است که الگوریتم‌ها و قواعد تازه را برای دیپلماسی مطرح کرده است. به همین سبب، در قالب مدل تحول سیستم بین‌الملل و الگوریتم‌های نوین آن طرح می‌شود. مهم‌ترین بخش الگوی سیستم نوین، اهمیت یافتن ارتباطات و شبکه‌ای‌شدن آن است. این امر، باعث تحول قواعد سیستمی شده، همچنین، تحول در کارگزاران، تحول در دینامیک‌ها و تحول در چرخه‌ها را سبب می‌شود. از سوی دیگر، می‌توان گونه‌بندی جدیدی را از قواعد و اصول چنین سیستم‌هایی ارائه کرد که غیرخطی‌شدن سیستم، نبود تناسب میان ورودی و خروجی، شاخه‌ای‌شدن نظم سیستمی، وابستگی حساس، تعدد نقاط تعادلی یا اصل مکان‌های فازی و تکاملی بودن نظم از مهم‌ترین آنهاست. (ربیعی، ۱۳۹۳).

۲ بحث و بررسی

شورای همکاری خلیج‌فارس به‌عنوان نهاد همگرایی منطقه‌ای

شورای همکاری خلیج‌فارس به‌عنوان سازمانی منطقه‌ای که در سال ۱۹۸۱ میلادی تأسیس شد، نمونه‌ای قابل توجه از تلاش‌های همگرایانه در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. این نهاد که متشکل از شش کشور عربی حاشیه خلیج‌فارس شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت، بحرین و عمان است، با هدف ایجاد هماهنگی، یکپارچگی و ارتباط میان کشورهای عضو در تمامی زمینه‌ها شکل گرفت. از منظر نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای، این شورا را می‌توان در چهارچوب رویکرد کارکردگرایی نوین تحلیل کرد که بر اساس آن، همکاری در حوزه‌های غیرسیاسی و فنی می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی در حوزه‌های سیاسی نیز باشد. تأسیس شورای همکاری خلیج‌فارس در بستر تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی دهه ۱۹۸۰ میلادی قابل درک است. (Lee, 2024). انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰، تهاجم شوروی به افغانستان و تشدید رقابت‌های دو ابرقدرت در منطقه، مجموعه‌ای از چالش‌های امنیتی را پیش روی کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس قرار داد. در چنین شرایطی، ضرورت همکاری منطقه‌ای و ایجاد سازوکارهای مشترک برای رویارویی با تهدیدات، به‌عنوان یک راهبرد محوری مطرح شد. به‌علاوه، وجود مشترکات فرهنگی، مذهبی، زبانی و ساختارهای سیاسی مشابه میان کشورهای عضو، زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری این سازمان منطقه‌ای را فراهم آورد. از منظر تئوریک، شورای همکاری خلیج‌فارس را می‌توان در قالب نظریه‌های گوناگون همگرایی منطقه‌ای مورد تحلیل قرار داد. بر اساس رویکرد نوکارکردگرایی ارنست هاس، همگرایی فرایندی است (Khayat, 2025) که طی آن کنشگران سیاسی در زمینه‌های ملی متقاعد می‌شوند وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را به سمت مرکز جدیدی هدایت کنند که نهادهایش بر دولت‌های ملی موجود اقتدار یا صلاحیت دارند. در این چهارچوب، شورای همکاری خلیج‌فارس به دنبال ایجاد تدریجی نهادهای فراملی بوده که بتوانند در حوزه‌های مختلف سیاستگذاری مشترک کنند. از سوی دیگر، نظریه وابستگی متقابل پیچیده نیز چهارچوبی مناسب برای تحلیل همگرایی در شورای همکاری خلیج‌فارس ارائه می‌دهد. بر اساس این نظریه که توسط رابرت کوهین و جوزف نای مطرح شده، افزایش روابط اقتصادی و اجتماعی میان کشورها، وابستگی متقابل آن‌ها را افزایش داده و زمینه را برای همکاری‌های گسترده‌تر فراهم می‌آورد. ساختار اقتصادی مشابه کشورهای عضو شورا که عمدتاً متکی بر صادرات نفت و گاز هستند، نوعی وابستگی متقابل اقتصادی را میان آن‌ها ایجاد کرده که به تقویت همگرایی منطقه‌ای کمک کرده است. (Davangeri, 2025) در سطح ساختاری، شورای همکاری خلیج‌فارس دارای شورای عالی به‌عنوان عالی‌ترین رکن تصمیم‌گیری، شورای وزیران، دبیرخانه و کمیسیون حل اختلافات است. شورای عالی متشکل از سران کشورهای عضو، مسئولیت تعیین سیاست‌های کلی شورا را بر عهده دارد و تصمیمات آن با اتفاق آرا اتخاذ می‌شود. این ساختار نهادی، ترکیبی از رویکردهای بین‌دولتی و فراملی را منعکس می‌سازد، هرچند تا کنون وجه بین‌دولتی آن غالب بوده است. از آغاز فعالیت، شورای همکاری خلیج‌فارس توانسته است در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی، همکاری‌های منطقه‌ای را گسترش دهد. (Lee, 2024) در حوزه اقتصادی، ایجاد اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۰۳، تأسیس بازار مشترک خلیج‌فارس در سال ۲۰۰۸ و تلاش برای ایجاد اتحادیه پولی، از جمله مهم‌ترین دستاوردهای این سازمان محسوب می‌شود. این اقدامات در راستای تحقق همگرایی اقتصادی عمیق‌تر میان کشورهای عضو صورت گرفته است. در حوزه امنیتی، شورای همکاری خلیج‌فارس با ایجاد نیروی مشترک سپر شبه جزیره در سال ۱۹۸۴، تلاش کرده است توانایی‌های دفاعی مشترک را تقویت کند. هرچند این نیرو در ابتدا کارکرد چندانی نداشت، اما به تدریج و به‌ویژه پس از تحولات بهار عربی و بحران بحرین در سال ۲۰۱۱، نقش فعال‌تری یافته است. علاوه بر این، همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جرائم سازمان‌یافته فراملی نیز در دستور کار این سازمان قرار گرفته است. در حوزه اجتماعی و فرهنگی، شورای همکاری خلیج‌فارس اقدامات متعددی را در زمینه هماهنگ‌سازی نظام‌های آموزشی، تسهیل تردد شهروندان کشورهای عضو، به رسمیت شناختن مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های حرفه‌ای و برگزاری رویدادهای فرهنگی و ورزشی مشترک انجام داده است. این اقدامات به تقویت هویت مشترک و افزایش تعاملات اجتماعی میان جوامع عضو کمک کرده است. (Delgado, 2024) علی‌رغم دستاوردهای قابل توجه، شورای همکاری خلیج‌فارس با چالش‌ها و موانع متعددی در مسیر همگرایی عمیق‌تر مواجه بوده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تفاوت در دیدگاه‌های ژئوپلیتیک کشورهای عضو نسبت به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی است. اختلاف نظر در مورد نحوه تعامل با ایران، بحران‌های منطقه‌ای مانند یمن و سوریه و روابط با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، منجر به شکل‌گیری شکاف‌هایی در میان اعضای شورا شده است. بحران قطر در سال ۲۰۱۷ که منجر به قطع روابط دیپلماتیک و اعمال محدودیت‌های اقتصادی علیه این کشور از سوی عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مصر شد، نمونه‌ای آشکار از چالش‌های فراروی همگرایی در شورای همکاری خلیج‌فارس بود. این بحران که تا ژانویه ۲۰۲۱ ادامه یافت، آسیب‌های جدی به انسجام درونی شورا وارد کرد و محدودیت‌های ساختاری آن در مدیریت اختلافات میان اعضا را آشکار ساخت. چالش دیگر، فقدان نهادهای فراملی قدرتمند با اختیارات تصمیم‌گیری مستقل است. برخلاف اتحادیه اروپا که دارای نهادهایی چون کمیسیون اروپا، پارلمان اروپا و دیوان دادگستری اروپا با اختیارات گسترده است، شورای همکاری خلیج‌فارس همچنان بر اساس الگوی بین‌دولتی و با حفظ حاکمیت کامل دولت‌های عضو عمل می‌کند. این امر سرعت و عمق همگرایی را محدود ساخته و مانع از تحقق کامل اهداف اتحادیه گمرکی و بازار مشترک شده است. (Chakrabortty2022)

عدم توازن در اندازه، جمعیت و قدرت اقتصادی کشورهای عضو نیز بر روند همگرایی در شورای همکاری خلیج‌فارس تأثیرگذار بوده است. برتری عربستان سعودی به لحاظ وسعت سرزمینی، جمعیت و اقتصاد، موجب نگرانی کشورهای کوچک‌تر نسبت به‌احتمال سلطه این کشور بر تصمیمات شورا شده است. این نگرانی به‌ویژه در مورد قطر، کویت و عمان که گاه سیاست‌های مستقل‌تری را در قبال مسائل منطقه‌ای دنبال می‌کنند، قابل مشاهده است. باوجود این چالش‌ها، در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای تقویت همگرایی در شورای همکاری خلیج‌فارس صورت گرفته است. امضای توافق‌نامه العلا در ژانویه ۲۰۲۱ که به بحران قطر پایان داد، نشان‌دهنده اراده سیاسی کشورهای عضو برای حل اختلافات و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای است. همچنین، چالش‌های مشترکی چون کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، مقابله با تغییرات اقلیمی، مدیریت بحران آب و امنیت غذایی، زمینه‌های جدیدی برای همکاری گسترده‌تر میان کشورهای عضو فراهم آورده است. در یک تحلیل کلان، شورای همکاری خلیج‌فارس را می‌توان یکی از موفق‌ترین تجارب همگرایی منطقه‌ای در جهان عرب و خاورمیانه ارزیابی کرد. علی‌رغم محدودیت‌ها و چالش‌های موجود، این سازمان توانسته است سطح قابل توجهی از هماهنگی سیاست‌ها و همکاری‌های اقتصادی را میان کشورهای عضو ایجاد کند. بااین‌حال، تعمیق بیشتر همگرایی نیازمند تقویت نهادهای فراملی، ایجاد مکانیسم‌های کارآمدتر برای حل اختلافات و توسعه هویت مشترک در میان شهروندان کشورهای عضو است. (Callaghan, 2021)

جامی با عنوان مجعول خلیج عربی؛ الگویی از دیپلماسی ورزشی درون منطقه‌ای

جامی با عنوان مجعول خلیج عربی به‌عنوان کهن‌ترین و پرسابقه‌ترین مسابقات فوتبالی منطقه خلیج همیشه فارس، نمونه‌ای بارز از کاربست دیپلماسی ورزشی در بستر مناسبات درون منطقه‌ای محسوب می‌شود. این جام که نخستین دوره آن در سال ۱۹۷۰ برگزار شد، در طول بیش از پنج دهه، فراتر از یک رویداد صرفاً ورزشی، به نهادی تأثیرگذار در معادلات سیاسی، فرهنگی و دیپلماتیک منطقه تبدیل شده است. بررسی تحلیلی این رویداد در چهارچوب نظریه‌های دیپلماسی عمومی و ورزشی، درک عمیق‌تری از نقش آن در فرایندهای همگرایی منطقه‌ای و حل و فصل منازعات میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس فراهم می‌آورد. از منظر تئوریک، این جام را می‌توان در چهارچوب مفهوم دیپلماسی ورزشی تحلیل کرد. دیپلماسی ورزشی به‌عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی، شامل استفاده از ورزش به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تسهیل ارتباطات میان جوامع و دولت‌هاست. در این چهارچوب، این جام عرصه‌ای چندوجهی برای اعمال قدرت نرم، نمایش توانمندی‌ها، مدیریت تعارضات و تقویت همبستگی منطقه‌ای فراهم آورده است. تحلیل تاریخی این جام نشان می‌دهد که این تورنمنت از ابتدا با اهداف فراورزشی و سیاسی شکل گرفت. در دهه ۱۹۷۰ و در بحبوحه تحولات ناشی از استقلال کشورهای منطقه، خروج بریتانیا و شکل‌گیری هویت‌های ملی جدید، این جام به ابزاری برای تقویت همبستگی میان کشورهای منطقه تبدیل شد. این جام با ایجاد فضایی برای تعامل کنترل‌شده، به کاهش تنش‌ها و تعارضات مرزی که میراث دوران استعماری بود، کمک شایانی کرد. (Chaziza, Lutmar, ۲۰۲۵).

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۴
شماره ۴۵۵۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و مشاعی هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت‌اسناد و املاک منطقه دو قم تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده‌های تشکیلی طبق قانون مذکور را بر اساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آرای ذیل تأیید نموده‌اند.

۱-رأی‌شماره۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۲۰۱۱۶۴۸ مربوط‌به‌پرونده‌کلاسه۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۰۳۰۰ آقای/خانم علی‌اکبر رجبی به‌شناسنامه‌شماره۰۳۷۱۱۲۴۷۳۵ کدملی ۰۳۷۱۱۲۴۷۳۵ صادره‌قم فرزند قوچعلی در ششدانگ قطعه زمین که در آن بنا احداث شده است به مساحت ۱۴۴ متر مربع پلاک شماره‌فرعی از ۱۸۷۶ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مالکیت رسمی متقاضی طی سند قطعی شماره ۸۶۵۲۴ مورخ ۱۳۷۱/۷/۳۰ دفترخانه ۳ قم)

۲- رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۲۰۱۱۸۳۱ مربوط به پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۰۴۸۶ آقای/ خانم سعید بختیار به شناسنامه شماره ۶۱۱۲ کدملی ۰۳۸۶۰۸۸۸۸۸ صادره قم فرزند محمدباقر در ششدانگ قطعه زمین که در آن بنا احداث شده است به مساحت ۱۳۸/۴۵ متر مربع پلاک شماره فرعی از ۲۳۰۰ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مبایعه‌نامه عادی و مع الواسطه از محمد خانمحمدی در دفتر ۱۰ صفحه ۱۸)

۳- رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۲۰۱۱۵۵۷ مربوط به پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۲۵۲۰ آقای/ خانم داود میرزائی پور به شناسنامه شماره ۵۹۶ کدملی ۰۶۰۰۳۱۵۶۲۲ صادره ساوه فرزند میرزاآقا در ششدانگ قطعه زمین که در آن بنا احداث شده است به مساحت ۵۷/۳۰ متر مربع پلاک شماره ۱۹۹ فرعی از ۱۹۳۴ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مبایعه‌نامه عادی و مع الواسطه از حسین علیخانی طی سند قطعی شماره ۱۲۸۷۹ مورخ ۱۳۵۵/۰۵/۰۵ دفترخانه ۱۷ قم)

۴- رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۲۰۱۱۷۸۰ مربوط به پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۰۹۶۴ آقای/ خانم معصومه رضائی به شناسنامه شماره ۳ کدملی ۰۶۰۳۳۷۶۵۰۹ صادره ساوه فرزند حمزه در ششدانگ قطعه زمین که در آن بنا احداث شده است به مساحت ۸۳/۱۰ متر مربع پلاک شماره فرعی از ۲۲۰۷ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مبایعه‌نامه عادی و مع الواسطه از افتخار رضویان احدی از ورثه جلال رضویان)

۵- رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۲۰۱۲۰۴۱ مربوط به پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۲۸۵۶ آقای/ خانم فیضعلی قنبری به شناسنامه شماره ۱۱۰۹ کدملی ۶۱۴۹۶۵۵۷۴۱ صادره ماهنشان فرزند عزیزعلی در ششدانگ قطعه زمین که در آن بنا احداث شده است به مساحت ۷۵ متر مربع پلاک شماره ۵۷۹ فرعی از ۱۹۵۳ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مبایعه‌نامه عادی و مع الواسطه از محمدتقی رحمتی راد در دفتر ۱۴۵ صفحه ۶۷)

۶-رأی‌شماره۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۲۰۱۱۹۹۶ مربوط‌به‌پرونده‌کلاسه۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۰۹۶۱ آقای/خانم علیرضا یساولی شراهی به شناسنامه شماره ۹۶۵ کدملی ۰۵۳۲۱۸۴۰۷۶ صادره اراک فرزند فتح اله در ششدانگ قطعه زمین که در آن بنا احداث شده است به مساحت ۵۶/۳۰ متر مربع پلاک شماره فرعی از ۲۲۷۳ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مبایعه‌نامه عادی از سید حسن موسوی طی سند قطعی شماره ۶۵۱۴۳ مورخ ۱۳۴۸/۱/۱۴ دفترخانه ۸ قم)

موردتأیید قرار گرفته و ازآنجایی که مقرر گردیده است پس از نشر آگهی و انقضای موعد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه اشخاص ذی‌نفع اعتراضی داشته باشند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول اعتراض خود را به اداره ثبت‌اسناد منطقه دو قم تسلیم و رسید آن را اخذ و ظرف مدت یک ماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم و گواهی آن را به این اداره تحویل نمایند. لازم به توضیح است که صدور سند بر اساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

گویه / فرهیختگان (شناسه آگهی: ۲۰۴۳۷۷۶)

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۰۴
رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک منطقه دو قم عباس پورحسنی

آگهی مزایده عمومی

آگهی مزایده واگذاری بوفه‌های دانشجویی واحد سمنان

دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان در نظر دارد بوفه دانشجویی و ارائه خدمات در آن را از طریق مزایده عمومی و در قالب قرارداد اجاره به یکی از شرکت‌ها و مؤسسات معتبر و یا اشخاص حقیقی ذی‌صلاح که در زمینه فوق‌الذکر فعالیت دارند واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت می‌شود جهت دریافت اطلاعات و خریداری اسناد مزایده، حداکثر ظرف مدت ۵ روز کاری پس از تاریخ انتشار این آگهی، به نشانی ذیل مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

شرایط به شرح ذیل می‌باشد:

۱- سپرده شرکت در مزایده مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (معادل ده میلیون تومان) می‌باشد که می‌بایست به کارت شماره ۵۸۵۹۸۳۷۰۲۳۸۶۱۷۹۸ نزد بانک تجارت به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان واریز گردد.
۲- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.
۳- دانشگاه در رد یا قبول هرکدام از پیشنهادات مجاز است.
۴- بابت خرید اسناد مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره کارت مندرج در بند ۱ آگهی واریز و اصل فیش را همراه با اسناد ارسال نمایند.
۵- مدت قبول و تسلیم پیشنهادها حداکثر ۵ روز کاری پس از تاریخ انتشار آگهی می‌باشد.

نشانی: سمنان کیلومتر ۵ جاده دامغان مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان ساختمان اداری، واحد پشتیبانی.
تلفن: ۳۱۶۵۶۱۲-۰۲۳

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی
کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹